

میزان انسانیت در عصر غیبت؛ تحلیل مسیر سلوک و هم درجه شدن با امام

امتحان غیبت: هم درجه شدن با امام در عصر غیبت چگونه ممکن است؟

فرض کنید پژوهشگری قصد دارد کیفیت یک جواهر ناشناس را ارزیابی کند. چشم غیرمسلح، تنها ظاهر سنگ را می‌بیند؛ اما ارزش واقعی آن زمانی آشکار می‌شود که زیر نور دستگاهی استاندارد قرار گیرد. در آن لحظه، ناخالصی‌ها، خطوط شکست و حتی ظرفیت نهفته سنگ برای تراش و درخشندگی آشکار می‌شود. بدون آن نور معیار، هر تشخیصی احتمالی و همراه با خطاست.

در انسان‌شناسی شیعی، وضعیت انسان دقیقاً مشابه همین مثال است: ما مجموعه‌ای از استعدادها، ضعف‌ها و ظرفیت‌های کمال را در خود حمل می‌کنیم، اما تا زمانی که در برابر «نور معیار» قرار نگیریم، شناخت ما از حقیقت خویش قطعی نیست. مسئله اصلی این است که این نور معیار چیست و چگونه سنجش انسان انجام می‌شود؟

انسان‌شناسی شیعی پاسخ روشنی برای این سوال دارد: خداوند میزان سنجش حقیقت انسان را در وجود امام قرار داده است؛ نوری که قابلیت آشکارسازی ماهیت و جهت وجودی انسان را دارد. روایت امام علی (علیه‌السلام) دربارهٔ دوران غیبت نیز همین نکته را برجسته می‌کند؛ تنها کسانی که در این دوره دشوار، ثبات دینی خود را حفظ کنند و دچار قساوت قلب نشوند، به مرتبه‌ای می‌رسند که در قیامت با من در درجه من هستند.^۱ این بیان نشان می‌دهد که مسیر هم درجه شدن با امام یک مسیر احساسی یا نمادین نیست؛ بلکه فرآیندی دقیق، قابل تحلیل و مبتنی بر نحوه قرارگرفتن انسان در برابر میزان الهی است.

در این درس سازوکار این سنجش، منطق امتحان غیبت و نسبت میان شناخت امام، ایمان به حضور او و ارتباط عملی با ولایت را بررسی می‌کنیم تا روشن شود، انسان چگونه می‌تواند در پرتو این میزان الهی به نقطه هم درجه شدن با امام نزدیک شود.

^۱ ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه کتاب کمال الدین و تمام النعمه، مترجم محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۲۱

میزان الهی برای سنجش حقیقت انسان و نقطه آغاز هم درجه شدن با امام

در نظام معرفتی اسلام امام نه تنها راهنما بلکه میزان سنجش اعمال بندگان است؛^۲ یعنی معیاری که انسان باید حقیقت خود را با آن بسنجد. امام زمان بزرگ‌ترین آینه‌ای است که خداوند برای سنجش روح انسان قرار داده است. این آینه، انسان را در نسبت با حقیقت کامل انسانی نشان می‌دهد و از این طریق ظرفیت یا فاصله فرد از کمال را آشکار می‌سازد.

بر اساس این نگرش، هم درجه شدن با امام تنها در صورتی ممکن می‌شود که انسان خود را با همین میزان کامل مقایسه کند. اگر انسان از این آینه دور بماند، شناخت او از خود ناقص، مبهم و متأثر از هواهای نفسانی می‌شود. به بیان دیگر، هرگونه سلوک بدون میزان امام، مسیر را از ابتدا دچار انحراف می‌سازد. نتیجه آنکه شناخت امام زمان یک شناخت جانبی یا تشریفاتی نیست؛ بلکه شرط ضروری تشخیص حقیقت و مقدمه‌ای بنیادی برای هم درجه شدن با امام است.

میدان سنجش ثبات و شرط اصلی هم درجه شدن با امام

مطابق با روایتی از امیرالمومنین امام علی (علیه‌السلام) دوران غیبت صحنه‌ای از سرگردانی و جستجوی بی‌نتیجه شیعیان برای یافتن پناهگاه و ملجائی مطمئن است؛^۳ وضعیتی که انسان‌ها را در معرض دو آزمون قرار می‌دهد:

۱. ثبات بر دین

۲. حفظ نرمی و حیات قلب

کسی که در این شرایط بر ایمان خود پایدار بماند و دچار قساوت نشود، بنا بر بیان امام علی (علیه‌السلام) در قیامت با ایشان هم درجه است. از این رو، هم درجه شدن نه با ادعا، نه با محبت صرف و نه با احساسات

^۲ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۰۷؛ معانی الأخبار، ص ۳۱ و ۳۲
^۳ ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه کتاب کمال الدین و تمام النعمه، مترجم محمد باقر کمرهای، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۲۱

زودگذر، بلکه با ایستادگی در میدان سنجش امکان‌پذیر است. ویژگی غیبت آن است که میزان‌های ظاهری از میان برداشته می‌شود و تنها کسانی بر حق پایدار می‌مانند که اتصال وجودی خود با امام را حفظ کرده باشند. این اتصال، همان حلقه حیاتی میان ایمان و حقیقت است و بنیاد رسیدن به درجه امام را تشکیل می‌دهد.

آینه‌بودن امام و نقش آن در اصلاح درونی

کارکرد اصلی واقف شدن به آینه‌بودن امام زمان (علیه‌السلام) در برابر تعارضات زندگی، اصلاح نفس و پالایش نیت است. دل انسان در صورت غفلت از امام، دچار تیرگی شده و توان دیدن حقیقت را از دست می‌دهد؛ هرچه ارتباط با امام عمیق‌تر شود، آینه درون شفاف‌تر شده و انسان قابلیت سنجش دقیق‌تر نفس را به دست می‌آورد.

این فرایند، زیربنای هم درجه شدن با امام است؛ زیرا بدون پالایش نیت و رفع حجاب‌های قلبی، ما توانایی قرار گرفتن در مدار نور امام را نخواهیم داشت. به این ترتیب، روشن می‌شود که آینه‌بودن امام نه توصیفی شاعرانه بلکه سازوکار واقعی برای تحقق هم درجه شدن با امام است.

ثبات بر دین شرط اصلی نجات و رسیدن به درجه معصومین است. ثبات دینی یعنی قرار داشتن در وضعیت پایداری عملی در برابر متغیرات و دشواری‌های دوران غیبت. انسانی که ثبات ندارد، پیوند وجودی با امام را از دست می‌دهد و آینه روح او دچار غبار می‌شود. اما فرد ثابت‌قدم، به واسطه همین ثبات، در مدار امام باقی می‌ماند و در نتیجه قابلیت هم درجه شدن با امام را در خود تقویت می‌کند.

این ثبات، هم بُعد معرفتی دارد و هم بُعد عملی؛ یعنی:

شناخت صحیح امام

عمل مستمر بر اساس این شناخت

حفظ جهت‌گیری الهی در طول زمان

این سه مؤلفه، ساختار اصلی شخصیت انسان منتظر را شکل می‌دهد و او را در مسیر هم‌درجه شدن با امام قرار می‌دهد.

مانع اصلی در راه هم‌درجه شدن با امام

طولانی‌شدن غیبت ممکن است دل‌ها را دچار قساوت کند. قساوت یعنی از دست دادن حساسیت نسبت به حق و فقدان ظرفیت تأثر از نور الهی. قلبی که دچار قساوت شده، نمی‌تواند امام را آینه خود قرار دهد و در نتیجه مسیر هم‌درجه شدن با امام برای او مسدود می‌شود. در مقابل، قلب زنده و نرم، در برابر حقیقت فروتن است و آمادگی دریافت هدایت را دارد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای ارتباط با امام، جلوگیری از بروز این قساوت است. بدین ترتیب، مراقبت در مبتلا نشدن به قساوت قلب نه یک توصیه اخلاقی بلکه شرط مستقیم برای امکان هم‌درجه شدن با امام است.

سه‌گام سلوک در هم‌درجه شدن با امام

مطابق فرمایش امیرالمومنین سه‌گام سلوک در هم‌درجه شدن با امام شناخت، ایمان و ارتباط عملی با امام است. شناخت امام از طریق عقل و وحی به‌دست می‌آید و معیار انسانیت را روشن می‌کند. بدون این شناخت، سنجش درونی و مسیر رشد مبهم می‌ماند.

ایمان قلبی به حضور و نقش جاری امام، امید و جهت انسان را تثبیت می‌کند. این ایمان، سپری در برابر تاریکی‌ها و سرگردانی‌های دوران غیبت است.

ارتباط عملی و قلبی با امام، انسان را در مدار هدایت نگه می‌دارد و از طریق اصلاح رفتار و پالایش نیت، زمینه هم‌درجه شدن با امام را فراهم می‌کند.

این سه‌گام، به ترتیب عقل را به قلب و قلب را به عمل متصل می‌کند و نتیجه آن شکل‌گیری شخصیت مؤمنی است که قابلیت ورود به مدار امام و نیل به مرتبه امام را دارد.

در پایان روایت، امیرالمومنین به صراحت می‌فرمایند که شخص ثابت‌قدم در دوران غیبت، «در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود». این گزاره، افقی بلند برای انسان ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که انسان می‌تواند رشدی بی‌نهایت را تجربه کند.

از این منظر، هم درجه شدن با امام نه به معنای حذف تفاوت وجودی انسان و معصوم، بلکه به معنای قرار گرفتن در شعاع نور امام و تحقق ظرفیت‌های الهی انسان است. پیوند انسان با امام، میانبری برای خودسازی نیست؛ بلکه اصلی‌ترین مسیر تکامل است. هر اندازه ارتباط انسان با امام عمیق‌تر شود، سنجش او دقیق‌تر و مسیرش به سمت حقیقت روشن‌تر خواهد شد.